

## امریکا ، یعنی آقای بوش کدام جنگ را باخته است ؟

می‌گویند امریکا ، ( یعنی همین آقای بوش ) ، جنگ را در عراق باخته است و لشکر فرعون اسیرآسمان های سوزان و زمین های خشک و ویران است .  
مستعمرة آقای بوش ، یعنی دولت و ملتِ قارة امریکا ، و قد و قواره ناموزون دنیا ، حق نفس کشیدن ندارد اگر هم بکشد با تو دهنی فرو می‌برد . حرف حرف رعد و برق آسمان هاست و آتش سوزی زمین یعنی نعمت خداپسندانه‌ای که به دست کرامت ایشان به یکسان در میان نیازمندان تقسیم می‌شود .

\*\*\*\*

### کدام جنگ ؟ کدام جنگ را باخته است ؟

آیا کسی به او اعلان جنگ داده بود ؟ آیا کسی در برابر حمله او به دفاع ایستاده بود ؟  
آیا کسی خواب شبانه اش را بهم ریخته بود ؟ آیا کسی در تفریح روزانه اش دست برده بود ؟ آیا آن روز که به الهام آسمانی گوش سپرده بود خدایش ظرفیت و بهره انسانیش را محک زده بود که امروز اینچنین در آشوب و عصیان مردگان رهاش کرده است ؟ آیا واجب تر از این و برتر از این کار و بار دیگری نداشت ؟ خودش بریده و خودش هم دوخته بود ، و شوری باقی قضایا .

\*\*\*\*

### نرفته بود که آباد کند .

عراق ویران نبود که به آبادیش رفته باشد و اسارت و گرفتاری امروزش را هم نداشت که به آزادیش بشتابد . ساقط کردن صدام هم برای دستگاهی که چپ و راست آدم ترور می‌کند و آدم می‌رباید آنچنان مشکل نبود که لازمه اش بمباران عراق باشد . غرض و مرض از آنهمه های و هوی ، یکه تازی و لشکر بازی یک جانبه ، ویران کردن عراق و در خاک و خون نشانیدن مردمش بود که ویران کرد و در خاک و خون نشاند . بهانه صدام و هدف نابودی عراق بود از موجودیت جغرافیائی و آب و خاکش گرفته تا فرهنگ و آثار تاریخی و دانشمندانش که امریکا یعنی آقای بوش به همراه شرکا در همه اینها نهایت موفقیت را داشته است و با ارسال لشکر تازه نفس قال بقایای آن ویرانسرا را هم خواهد

کند حتا اگر یک سرباز هم به خانه بر نگرده . خانم کلینتون هم که رفت و روب فاجعه را طلب می کند ، نفس راحتی خواهدکشید و به روشی همانند ، جایی بالاتر ، جایی پایین تر، خواهد پرداخت و یا ادامه سلطه گری را به دیگری خواهد باخت .

\*\*\*\*

آیا پس از این ستم و ستم های دیگر در اینجا و آنجا ، باز کسی جایی خواهد ایستاد و عذر تقصیر خواهد خواست ؟ و باز کسی خواهد آمد و همان تقصیر را تکرار خواهد کرد ؟ عذر بخواد که چه شود ؟ کدام درد را دوا کند ؟ عذرخواهی آزادی و حق از دست رفته را باز می گرداند ؟ عذرخواهی رسوب مصیبت و نفرت را از رگ و ریشه بلادیدگان پاک می کند ؟ عذر خواهی کودکان درآتش گذاخته را به مادرانشان باز می گرداند ؟ عذر خواهی دست و پای از بدن جدا شده را سرچایش می نشاند ؟ عذرخواهی خانه و کاشانه سر بر زمین کوفته و خانواده میان آسمان و زمین سوخته را دوباره می سازد ؟ عذرخواهی چپاول دیکتاتور یا هراحمق تحمیل شده را به ملک و ملت باز می گرداند ؟ عذرخواهی ، خودکامگان و شکنجه گران خون آشامشان را تسلیم دادگاه های صالح و عادل می کند ؟ آیا به نکبت کودتای مرداد گرفتار آمدگان ، استقلال و آزادی از دست دادگان و ازچنگال ننگین و سیاه آن کودتا به چنگ این عذاب و عزا افتادگان، عذر خود شیرینی حضرات را پذیرفته اند ؟ هرچند هم که به مذاق برخی شیرین آمده و نقل کلامشان باشد. در قبال این عذرخواهی تعهد و تبلوری هست ؟ عذر خواهی کند که چه بشود ؟ چه بکند ؟

آقای کلینتون از بیمارآوردن ویرانی در چپ و راست دنیا ، سرنگون کردن دموکراسی در اینجا و در آنجا و دیگر بهره برداری های ناروا از سوی جنابانشان ، اظهار تأسف و تأثر می کند تأسف و تأثری که نوعی عذرخواهی و پشیمانی بر زبان نرانده در آن به گوش می رسد . ولی مضحکه اینجاست که در نرمش و چرخش همین مرا ببخش که می دانم گناه کردم و اشتباه کردم ، همخانه و همبالینش به دریدن عراق ، بریدن سر و گردن و پریدن دست و پای آن آب و خاک رأی می دهد .

آنانکه هستی خود را در نیستی غیر خود می جویند و گزینی جز این برای ایستایی ندارند ، حرفشان حرف است و آن حرف مخلصانه نیست . سخن دیگر اینکه :

آیا دنیا توپ فوتبالی ست که در زمین گل آلود این بازیگران به گل نشسته است ؟ یا همین زمین گل آلود است که پای بازیگرانش را در گل نشانده است ؟

ونکوور ، ۱۲ جون ۲۰۰۷

